

شاه شجاع کرمانی

۴۸۰ - ۴۸۱

منابع: شمس‌الدین محمد حافظ، دیوان، چاپ محمد قزوینی و قاسم غنی، تهران ۱۳۶۹ ش؛ عبدالله بن لطف‌الله حافظ ابرو، جغرافیای حافظ‌ابرو، چاپ صادق سجادی، تهران ۱۳۷۵-۱۳۷۸ ش؛ همو، زبدة التواریخ، چاپ کمال حاج سیدجوادی، تهران ۱۳۸۰ ش؛ احمد بن محمد خوانی، مجمل فصیحی، چاپ محمود فرخ، مشهد ۱۳۳۹-۱۳۴۱ ش؛ خواندمیر، دولتشاه سمرقندی، کتاب تذکرة الشعراء، چاپ ادوارد براون، لیدن ۱۹۰۱/۱۳۱۹؛ زین‌الدین بن حمد الله متوفی، ذیل تاریخ گزیده، چاپ ایرج افشار، تهران ۱۳۷۲ ش؛ سلمان بن محمد سلمان ساوجی، دیوان، چاپ ابوالقاسم حالت، تهران ۱۳۷۱ ش؛ محمد بن علی قیانکار، ای، مجمع الانساب، چاپ میرهاشم محدث، تهران ۱۳۶۳-۱۳۸۱ ش؛ عبدالرزاق بن اسحاق عبدالرزاق سمرقندی، مطلع سعدین و مجمع بحرین، چاپ عبدالحسین نوبلی، تهران ۱۳۷۲-۱۳۸۳ ش؛ قاسم غنی، بحث در آثار و افکار و احوال حافظ، ج ۱، تهران ۱۳۶۶ ش؛ محمود کتبی، تاریخ آل مظفر، چاپ عبدالحسین نوائی، تهران ۱۳۶۴ ش؛ معین‌الدین نطنزی، منتخب التواریخ معینی، چاپ ژان اوین، تهران ۱۳۳۶ ش؛ علی بن محمد معین‌الدین یزدی، موابه الهنی، در تاریخ آل مظفر، ج ۱، چاپ سعید نقیسی، تهران ۱۳۲۶ ش؛ میزخواند:

Guy Le Strange, *The lands of the Eastern Caliphate*, Cambridge 1930.

/ امیر تیمور رفیعی /

شاه شجاع کرمانی، عارف و زاهد قرن سوم. وی به

ابوالفوارس ملقب بود که احتمالاً نشانه‌ای از بزرگ‌زادگی یا مهارت او در اسب‌سواری بوده است (هجویری، ص ۲۱۱، تعلیقات عابدی، ص ۷۵۲). گفته‌اند او ملک‌زاده‌ای بود که بعدها زهد پیشه کرد (ابو نعیم اصفهانی، ج ۱۰، ص ۲۳۷؛ ابن جوزی، ج ۴، ص ۶۷). سعید محرابی کرمانی مؤلف مزارات کرمان، روایات افسانه‌گونه‌ای درباره پادشاهی و توبه او نقل کرده است (ص ۱۹۰).

شلمی (ص ۱۹۲) و انصاری (ص ۲۳۶) او را اهل فتوت دانسته‌اند، اما چون وی با برخی از منسوبان به ملامتیه*، مانند ابو حفص حداد* مصاحبت و مکاتبه داشته (سراج طوسی، ص ۲۳۸؛ عطار، ص ۳۷۹) و نیز مانند ملامتیه از پوشیدن خرقة صوفیه و عبای زاهدان خودداری می‌کرده و قبای عامه را می‌پوشیده‌است، می‌توان او را واسطه‌ای میان اهل فتوت و اهل ملامت دانست (جامی، ص ۸۴؛ زرین‌کوب، ۱۳۵۷ ش، ص ۳۵۰).

شاه شجاع با مشایخی همچون ابوتراب نخشبی و ابو عبید بشری نیز مصاحبت داشت (سلمی؛ جامی، همانجاها). برخی او را مرید ابو حفص حداد دانسته‌اند (شیروانی، ص ۵۳۷؛ غلام‌سرور لاهوری، ج ۲، ص ۱۵۸)، حال آنکه از ماجرای سفر او به نیشابور و صحبتها و مکاتبات این دو، بیشتر مناسبات

شاه حسین (برادرزاده‌اش) درگذشتند. شاه شجاع به قزوین رفت و پیکی را نزد سلطان احمد فرستاد و برادران را آشتی داد و سارو عادل را از حکومت سلطانیه برداشت و به شیراز بازگشت. در راه، در خرم‌آباد، ملک‌عزالدین لر پسرش را به استقبال وی فرستاد. شاه شجاع با دختر ملک‌عزالدین ازدواج کرد و سپس به شوشتر رفت. لشکریان وی در زمستان ۷۸۵ به کنار رود شوشتر رسیدند، اما بر اثر طغیان آب رودخانه جنگ نشد و شاه شجاع و شاه منصور بار دیگر صلح کردند (همان، ص ۱۱۱). در همین وقت، پیکی از طرف حاکم کرمان خبر فتح سیستان به دست امیر تیمور گورکان را داد و گوشزد کرد که ممکن است امیر تیمور به کرمان حمله کند (عبدالرزاق سمرقندی، ج ۱، دفتر ۲، ص ۵۵۱-۵۵۲). شاه شجاع به اتابک لر وعده داد شوشتر را در وقت مقتضی تصرف کند (کتبی، همانجا).

شاه شجاع به شیراز رفت و به خوش‌گذرانی پرداخت، که همین امر موجب بیماری‌اش شد. سپس، مردم به دو گروه تقسیم شدند: طرفداران پسرش سلطان‌زین‌العابدین و طرفداران برادرش سلطان احمد، که شاه شجاع، سلطان‌زین‌العابدین را به جانشینی خود منصوب کرد (همان، ص ۱۱۱-۱۱۲).

آنگاه نامه‌هایی به تیمور گورکان* و سلطان احمد جلایری فرستاد و از آنان خواست تا درباره پسرانش خیرخواهی کنند. شاه شجاع در شعبان ۷۸۶ درگذشت و در پای کوه چهل مقام شیراز به خاک سپرده شد (همان، ص ۱۱۴-۱۱۸؛ عبدالرزاق سمرقندی، ج ۱، دفتر ۲، ص ۵۵۹-۵۶۴؛ قس دولتشاه سمرقندی، ص ۳۰۲). شمس‌الدین محمد حافظ* درباره مرگ شاه شجاع دو بیت شعر، حاوی ماده تاریخ، سروده است (ص ۳۶۲-۳۶۳). پس از مرگ شاه شجاع، زین‌العابدین در شیراز به تخت نشست (کتبی، ص ۱۱۸).

شاه شجاع ادیب، دانش‌دوست، فاضل، متواضع، شجاع، عادل و مردم‌دار بود. او علما و ادبا و فضلاء عهد خود را گرامی می‌داشت، و خود در علوم دینی به پایه‌ای رسید که علما و فضلاء در مجلس وی حضور می‌یافتند. همچنین، او به عربی و فارسی شعر می‌سرود (همان، ص ۸۱؛ میزخواند، ج ۴، ص ۵۶۸-۵۶۹؛ خواندمیر، ج ۳، ص ۲۹۴). حافظ شیرازی بیش از سی سال از عمرش را در دوره فرمانروایی شاه شجاع زندگی کرد و با او معاشرت داشت. حافظ شاه شجاع را بزرگ می‌داشت و برایش احترام فراوان قائل بود. او بیش از صدبار در غزلیات و قصاید و مثنوی خود به شاه شجاع اشاره کرده‌است (غنی، ج ۱، ص ۳۵۴-۳۵۵؛ برای نمونه‌ای از اشعار حافظ درباره شاه شجاع ص ۱۹۱-۱۹۲، ۱۹۸). دوره حکومت شاه شجاع بیشتر صرف اختلافات داخلی مظفریان شد و همین امر مانع از رشد زمینه‌های سیاسی و فرهنگی گردید.